

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه انبیاء (جله، مهمم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۴/۵/۲۱

برای این که جلسه مان نورانی به نور اهل بیت علیهم السلام شود صلواتی عنایت فرمائید.

دو مطلب ویژه در بین بحث‌ها خیلی تاکید شد: اول مقام ذکر در انسان و دوم مقام فعل در قرآن.

ذکر عاملی است که انسان را از غفلت خارج می‌کند و فعل حالتی را در انسان تثبیت می‌نماید.

خَلِقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ (۳۷)

آیه ۳۷: سه صفت ضعف، عجله و نوعی از حرص، از صفاتی است که جبلی هستند و در فعلیت ابتدایی انسان هم بوده که در تعبیرات با خلق آمده است لذا این سه خصلت از این جهت اهمیت پیدا می‌کند زیرا منشا خیر و برکات زیادی می‌باشند.

صفت ضعف، منشا این است که فرد استغنی نگیرد، خدا را بشناسد و این منشاء نیاز و عبودیتش است.

هلوع بودن و عجله، منشاء حرکت است. هلوع قوای عاطفی و عجله قوای سرعتی را درست می‌کند فلذا باعث حرکت می‌شوند.

عجله جزء خلق انسان و فعل انسان است و اگر درست نشود از یک طرف ایجاد کند و از طرف دیگر ایجاد سرعت می‌کند.

منشاء همه اختلالات انسان این سه ریشه ضعف و عجله و هلوع است.

به طور کلی تمام اختلالاتی که در حوزه انسان وجود دارد یک پای عمده آن بحث عجله است. عجله باعث اختلالات به این خاطر است که انسان ضربتی عمل می‌کند لکن قبل از انجام عمل فکر نمی‌کند و تحلیلی ندارد.

عجله یعنی نپخته عمل کردن!

آیه ۳۷: به واسطه تربیت نشدنش، به واسطه عجله انقدر اختلال در زندگی ایجاد می شود که برای شقاوت و بدبخت شدن خودش هم عجله می کند.

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۳۹)

آیه ۳۹: تفسیر سیستم عجله؛

گو اینجا به معنی تمنا است، ای کاش بدونند! اگر می دانستند، اگر می فهمیدند.

آیه ۳۹: درمان عجله است. یعنی وقتی کسی تصمیم خطرناکی می گیرد تصویرهای بعدی را جلوی چشمش بیاید و از روی دلسوزی حوادث بعد از آن را به او بگوئید فلذا این گو برای این است. ای کسانی که منتظر عذاب هستید بدانید که عذاب خوشمزه نیست.

خَلِقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ (۳۷) وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۸) لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۳۹) بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۴۰)

آیه ۳۷ تا ۴۰ بحث عجله را مطرح می کند که خیلی چیز خطرناکی است زیرا آدم را به ته خط می رساند لکن مواظب باشید که خدا انذار داده است.

یکی از درمان های عجله این است که می گویند اگر حلیم نیستی فتحلم. همین مقدار که آدم بتواند فیلم یک آدم بردبار را بازی کند خیلی از مشکلاتش حل می شود.

عذاب در قرآن یعنی تصمیم گیری با عجله.

فرآیند تصمیم گیری، درست متصل شدن به خدا و مشاهده خود در حضور خداست، در حقیقت گرفتن حکم از خداوند است.

برای به بلوغ رسیدن یک تصمیم نیاز به تفکر و تعقل داریم و عجله یعنی خالی شدن از تفکر و تعقل و هر عجله‌ای قطعاً منجر به عذاب می‌شود.

عجله یعنی این که نماز بخوانید قبل از این که اذان بشود. کندی یعنی نماز را بعد از وقت بخوانید. عجله کننده وقتی نمازش را قبل وقت می‌خواند، انتظار پاداش و قبولی نمازش را هم دارد اما آدم کند ممکن است قضای نمازش را بخواند لکن در بعضی مواقع کندی بهتر از عجله است.

ما باید نگاه کنیم ببینیم کجای زندگی عجله می‌کنیم. در پاسخ دهی به دیگران نوعاً عجله می‌کنیم؛ در قضاوت کردن نسبت به دیگران عجله می‌کنیم. در نظر آدم‌های عجول افراد خیلی کمی هستند که پیش چشم‌شان بزرگ باشند زیرا نمی‌توانند در مورد دیگران قضاوت درست بکنند.

یکی از موارد عجله زمانی است که فرد دچار ابتلائی می‌شود؛ فقر، نداری و خیلی وقت‌ها به خاطر عجله کار عجیب غریب می‌کند. هر جایی که دیدی انسانی کار عجیب غریب کرد بدانید عجله کرده‌است.

دعای کرب: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ - وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۱

این دعائیست که اگر یک موقعی گیر کردید خیلی خوب است، هر گیزی که کردید. یک کار دیگر وضو گرفتن و دو رکعت نماز خواندن است و از خداوند بخواهید که اگر کار خوبی نیست جاری نشود.

قُلْ مَنْ يَكْلُوْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمٰنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُوْنَ (۴۲)

آیه ۴۲: حداقل کاری که یک بنده می‌تواند بکند این است که ببیند کاری را که می‌خواهد انجام دهد را می‌تواند به خدا تقدیم کند؟

در هر صورتی آدم باید حضور خدا را در آن زندگی‌اش حس کند و همین که بداند در محضر خداست خیلی از حرف‌ها و کارها را در محضر ربوبی انجام نمی‌دهد زیرا یک سری رفتارها خلاف ادب ربوبی است.

^۱ ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات و منهج العبادات - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق.

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (۴۵)

آیه ۴۵: این آیات این گونه است که می گوید انسان رفتارش برای شنیدن و نشنیدن ارادی است و این خیلی جالب است که انسان مگر می تواند ارادی کر باشد؟ برای مشمول این آیه نشدن باید شنید تا انذار روی آدم اثر بگذارد و مانع نشنیدن را باید برداشت تا بتواند بشنود.

وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۴۶)

آیه ۴۶: برخی صحنه ها را خدا برمی دارد تا ارادی بودن آن را به ما نشان دهد.

این آیه مشت افراد بالا را باز می کند زیرا آدمی که کر است عذاب را هم نمی فهمد اما این می فهمد و مضاعف بر این خودش به ظلم خودش هم اعتراف می کند یعنی طبق آیه ۴۶ هیچ آدم کری نیست که وقتی عذاب را ببیند اعتراف به ظالم بودن خود نکند.

وَتَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (۴۷)

آیه ۴۷: خدا هم به کر گفت و هم به وکیل مدافع کرهای عالم

جنس خدا از رحمت و مهربانیت و نور است و هر عملی غیر رحمانیت و مهربانیت و غیر نور در شأن او نیست.

آدم همیشه باید بداند خدا هست و در محضر خداست پس باید کاری را انجام بدهد که در شأن ربوبیت خداست لذا آدمی که به این وسیله رام شود اسمش عبد است.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات